

چهار شرط اتحادیه اروپا

برای گسترش رابطه با جمهوری اسلامی

۱- موجودیت دو کشور اسرائیل و فلسطین مورد پذیرش قرار گیرد.

۲- قراردادهای بین‌المللی در باره عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای امضا و به طور کامل اجرا شود.

۳- وضعیت حقوق بشر بهبود یابد.

۴- قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره منع کمک مالی به تروریسم به طور کامل به اجرا درآید.

بسدناله انجام نهمین دور مذاکرات میان اتحادیه اروپایی و ایران، که در تهران برگزار شد، بیانیه‌ای از سوی هیئت اتحادیه اروپایی در تهران انتشار یافت. در این بیانیه، کشورهای اروپایی خواستار به رسمیت شناختن ۲ کشور اسرائیل و فلسطین از سوی

دولت جمهوری اسلامی شده‌اند. در این بیانیه همچنین از جمهوری اسلامی خواسته شده است که قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد عدم حمایت از گروه‌های تروریستی را رعایت نماید. سرپرستی هیئت اروپایی در

اعتراض کانون نویسندگان ایران

به احضار فعالین فرهنگی

کانون نویسندگان ایران در نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس جمهور، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه نوشته است: «هنوز از میان واژه‌های متن ۱۳۴ نفر صدای این حقیقت در گوش‌ها طنین می‌افکند که «ما نویسندگان ایران» و قرن‌ها پس از آن نیز از ذرات خاک ما همین صدا به گوش خواهد رسید. ما هیچ وظیفه‌ای مسهم‌تر از دفاع از آزادی بیان و قلم و اندیشه برای خود نمی‌شناسیم. پس چگونه است که حیرت ما از گرفتاری ناگاه آقای ناصر زرافشان، عضو کانون نویسندگان ایران، نکاسته می‌شود؟ دیگر عضو کانون، خانم شیرین عبادی، به مراجع قضائی خوانده می‌شود و در پی آن دو تن از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان، آقای سید

اعلامیه هیات سیاسی - اجرایی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون لایحه «اصلاح قانون انتخابات»

لایحه پیشنهادی دولت خاتمی

ناقض اصول حقوق بشر است

در صفحه ۳

دهمین سالگرد جنایت میکونوس



به مناسبت هفته همبستگی با ناصر زرافشان

جرم‌ش این بود که اسرار هویدا می‌کرد؟

در صفحه ۲

فریبرز رئیس‌دانا:

درخواست اصلاحات واقعی

در جامعه ایران بسیار بالاست

جنبش اصلاح‌طلبان دولتی و حکومتی در ایران یقیناً به بن‌بست رسیده و قابل احیاشدن هم نیست

در صفحه ۷

تظاهرات درگیری در مهاباد

سه نفر از اهالی روستاهای سردشت به دست ماموران کشته شدند

به دنبال کشته و مجروح شدن ۵ نفر از اهالی یکی از روستاهای نزدیک سردشت در استان کردستان به وسیله ماموران نظامی رژیم در روز دوشنبه ۱۸ شهریور موجی از اعتراض و تظاهرات در مهاباد، سردشت و روستاهای پیرامون این شهرها را فراگرفت. در شهر مهاباد به دنبال ناآرامی‌های این شهر حالت فوق‌العاده برقرار گردیده است. در روز دوشنبه ماموران نظامی مستقر در منطقه که حضور آنان به خاطر حمله احتمالی آمریکا به عراق در منطقه افزایش یافته است به هنگامی که عده‌ای از اهالی بومی در حال حمل کالا از عراق به ایران بودند بدون هیچ‌گونه اخطار قبلی به این بهانه که آن‌ها در حال قاچاق مشروبات الکلی از عراق به ایران هستند به

سوی آن‌ها آتش گشودند. که در اثر آن ۳ نفر کشته و دو نفر دیگر نیز به سختی مجروح گردیدند. رفتار خشن نظامیان و کشته و مجروح شدن عده‌ای از مردم به دست آنان باعث خشم شدید و برانگیختگی مردم در این منطقه بخصوص در شهر مهاباد گردید و مسردم دست به تظاهرات گسترده‌ای در شهر مهاباد زدند. این تظاهرات مسالمت‌آمیز که با شرکت عده زیادی از مردم مهاباد آغاز شده بود در اثر مداخله خشنونت‌بار ماموران نظامی به خشم کشیده شد. رفتار سرکوبگرانه نیروهای نظامی با مردم تظاهرکننده موجب خشم و نفرت بیشتر مردم از آنان گردید که نتیجه آن شکسته شدن شیشه‌ها و به آتش کشیده شدن

ده سال پس از ترور «میکونوس»

تامل بر عملکرد ماشین ترور جمهوری اسلامی

مهدی ابراهیم‌زاده
در صفحه ۶

در این شماره

خاستگاه و چستی عصر جدید

محمدرضا بیکتر
در صفحه ۸

اقدام فراگیر سیاسی نیاز واقعی جنبش؟

جلال شالکونی
در صفحه ۹

عیسی مسیح تاریخی چه کسی است؟

جواد مفردکهلان
در صفحه ۱۰

Advertisement box containing a list of articles and authors.

خامنه‌ای برای دفاع از حکومت دینی، خود به میدان آمد

اعلامیه هیات سیاسی - اجرائی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون لایحه

«اصلاح قانون انتخابات»

لایحه پیشنهادی دولت خاتمی

ناقص اصول حقوق بشر است

دولت خاتمی سرانجام بعد از گذشت پنج سال از دوم خرداد، نخستین قدم را ظاهراً در جهت عملیاتی کردن شعارهای انتخاباتی برداشت. لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که توسط وزارت کشور تدوین شده و در هیات دولت به تصویب رسیده بود، در اختیار مجلس شورا قرار گرفت. این لایحه بر این مبنا تدوین شده است که از یک سو شورای نگهبان را در حذف کاندیداهای اصلاح طلبان حکومت محدود کند و از سوی دیگر در برابر همه دگراندیشان و شهروندان خارج از چارچوب دو جناح حکومتی ممانعت ایجاد کند و آنان را از حقوق مسلم و بدیهی شهروندی‌شان همچنان محروم کند.

در این لایحه، برخلاف قانون فعلی انتخابات، نظارت استصوابی شورای نگهبان حذف شده و نقش این نهاد در حد نظارت بر انتخابات مجلس تقلیل داده شده است. این لایحه در صورت تصویب موضوع احراز صلاحیت کاندیدها را منتفی کرده و دست شورای نگهبان را برای حذف کاندیداهای جناح رقیب خواهد بست. اما در این اصلاحیه پانزده مورد بعنوان موانع انتخاب شدن به نمایندگی قید شده است که در آن عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران، عدم وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفقی ولایت فقیه و وابستگی تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها و گروههایی که غیر قانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است (به تشخیص دادگاه) و محکومیت به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی به حکم محاکم صالحه قضائی جزو شروط آمده است. با این قیود نه تنها دگراندیشان و نیروهای سیاسی بیرون از حکومت از کاندیداتوری محروم می‌شوند، بلکه بخشی از اصلاح طلبان حکومتی نیز که اصل ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارند، حق راهیابی به مجلس را نخواهند داشت. با این لایحه تنها لایه نازکی از مردم و بخش اندکی از جریان‌های سیاسی که در پوشش نیروهای محافظه کار و بخشی از جناح اصلاح طلب قرار می‌گیرند، امکان انتخاب نماینده خواهند داشت.

این لایحه اعتقاد و عدم اعتقاد را منبای پذیرش کاندیداتوری قرار داده و بنا بر اساس تفتیش عقاید داوطلبین گذاشته است. بنابراین ابتدایی‌ترین حق شهروندی را نقض کرده است.

دولت خاتمی لایحه‌ای را به مجلس برده است که آشکارا ناقض حقوق بشر بوده و با شعار ایران برای همه ایرانیان شعار انتخاباتی حزب حاکم مغایرت دارد. این لایحه ناقض ادعای خاتمی مبنی بر دفاع از حق فعالیت مخالفین است، ادعائی که در مصاحبه مطبوعاتی اخیر نیز تکرار شد. این لایحه دفاع از حق خودی‌ها در مقابل آن خودی‌های دیگر است. ما مخالفت شدید خود با این لایحه را اعلام می‌داریم و آن را مغایر و ناقض حقوق بشر می‌شناسیم و مطمئن هستیم که مردمی که بر اساس شعار ایران برای همه ایرانیان نمایندگانی را به مجلس فرستادند، آنها را از جمله بر اساس نحوه برخورد با این لایحه مورد سنجش قرار خواهند داد.

هیات سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۴ شهریور ۱۳۸۱

اصلاح طلبان بازتاب می‌یابد. گواه دیگر این واقعیت، بیانیه اخیر دفتر تحکیم وحدت است که در آن به گونه‌ای بی سابقه، لایحه تیز انتقاد متوجه شخص علی خامنه‌ای به مثابه نماد وجه دینی حکومت است. تابهائی که جمهوری اسلامی بیش از بیست سال است پا بر جا ننگه داشته است، فرو می‌ریزد. رهبر که منزله محسوب می‌شد و نمی‌شد از او انتقاد کرد، به عنوان مسئول مستقیم فجایعی که بر مردم ما گذشته و می‌گذرد، در جایگاه متهم قرار می‌گیرد. همراه با شخص رهبر، مقام و موقعیت او، یعنی مهم‌ترین مقامی که ضامن تداوم درهم آمیزی دین و حکومت است، زیر سؤال می‌رود.

این، آغاز پایان جمهوری اسلامی است، نظامی که اساس آن بر ادغام نهادهای دین و حکومت استوار است. خامنه‌ای و رفسنجانی، به درستی تشخیص داده‌اند که در واقع حیات و ممانعت حکومتشان، موضوع بحث جدائی دین از حکومت است، چرا که بدون آمیزش دین و دولت، جمهوری اسلامی معنایی ندارد.

از نظر آقای خاتمی و طرفدارانش، وجه مردمسالاری نظام می‌تواند به همین محدود باشد که مردم میان جناح‌های مختلف حکومت، انتخاب کنند. این درک از مردمسالاری، در لایحه انتخابات ارائه شده از سوی وزارت کشور دولت خاتمی به مجلس نیز بازتاب یافته است. این لایحه عملاً مخالفان آمیزش دین و حکومت را از انتخاب شدن به نمایندگی مجلس محروم می‌کند.

در شرایطی که درک برجسته‌ترین عناصر اصلاح طلبان حکومتی از مردمسالاری، تا بدین اندازه محدود است، شتابی که سران حکومت در به میدان آمدن یکی پس از دیگری در دفاع از حکومت دینی نشان می‌دهند، گواه آن است که خارج از چارچوب تنگ نظرات و مواضع جناح‌های حکومتی و در بطن جامعه، در میان جوانان و روشنفکران، در میان مردمی که عواقب دردناک آمیزش دین و حکومت را هر روز احساس می‌کنند، خواست جدائی دین از حکومت بسیار ریشه‌دارتر و گسترده‌تر از آنست که در سطح دیده می‌شود و در مواضع

نظریه پردازان اصلاحات فراتر رفته است. هرچند نیروهای مانند جبهه مشارکت، هنوز به نسخه مردمسالاری دینی فرمولبندی شده از سوی خاتمی وفادارند، اما برخی از سران جبهه مشارکت مانند عباس عبدی می‌گویند مردمسالاری دینی نباید به معنای حکومت روحانیون باشد. به نظر می‌رسد سخنان رفسنجانی پاسخی به این گونه اظهار نظرها باشد.

در ارتباط با بحث جدائی دین از حکومت، جبهه اصلاح طلبان حکومتی هنوز دچار تناقضات بسیاری است. با اینکه برخی سیاست‌گذاران و نظریه پردازان اصلی این جبهه، انحصار روحانیون در حکومت را زیر سؤال می‌برند، هنوز اغلب آنها نتوانسته یا نخواسته‌اند از مقوله ناروشن مردمسالاری دینی فاصله بگیرند. از این تناقض در مواضع اصلاح طلبان، محافظه کاران بهره می‌گیرند. یک نماینده مجلس خبرگان اخیراً گفت ایسن مجلس، مظهر مردمسالاری دینی است. چنین ادعاهائی تنها می‌تواند در فضائی مطرح شود که اصلاح طلبان با دفاع ناپیگیرشان از مردمسالاری ایجاد کرده‌اند.

طور مستمر از آن دفاع می‌کنند، چنین واکنشهای همزمانی از سوی خامنه‌ای و رفسنجانی صورت نمی‌گرفت. این واکنشها نشان از تبدیل بحث جدائی دین و حکومت به بحث سیاسی روز بر خود دارد. به نظر می‌رسد همانگونه که رفسنجانی گفته است، اندیشه جدائی دین از حکومت تا اعماق صفوف روحانی که تاکنون خود به ارکان نظام جمهوری اسلامی وفادار بوده‌اند نفوذ کرده است. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفته است برخی که نام اصلاح طلب بر خود گذاشته‌اند چنین می‌اندیشند و چنین می‌گویند که باید دین از سیاست جدا شود. وی افزوده است اگر روحانیون از حکومت کنار گذاشته شوند، صدهزار مسجد در ایران به مراکز تبلیغ علیه حکومت تبدیل خواهد شد و حکومت چاره‌ای نخواهد داشت جز آنکه برای بقا به دامان آمریکا پناه برد.

این گونه واکنشهای بعضاً هیستریک سران حکومت در قبال گسترش اندیشه جدائی دین و حکومت، نشان می‌دهد که این اندیشه از محافل و مجامع دانشگاهی و از جمع

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی که در حضور اعضای مجلس خبرگان ایراد کرد، کسانی را که فکر جدائی دین از حکومت را مطرح می‌کنند، مورد انتقاد قرار داد و گفت چنین کسانی دیگر نمی‌توانند مورد اتکای حکومت باشند. خامنه‌ای بخش اعظم نطق خود را به دفاع از حکومت دینی اختصاص داد. سخنان خامنه‌ای چند روز پس از نطق هاشمی رفسنجانی نایب رئیس مجلس خبرگان در این مجلس انتشار یافت که در آن رفسنجانی نیز از اصلاح طلبانی که از جدائی دین از حکومت دفاع می‌کنند انتقاد کرد. به نظر می‌رسد بحث جدائی دین از حکومت در بالاترین محافل حکومت جمهوری اسلامی بازتاب گسترده‌ای داشته است، به گونه‌ای که اصلی‌ترین مقامات جمهوری اسلامی خود را ناگزیر دیده‌اند که وارد این بحث شوند و از موضعی به طور محسوس دفاعی، بر تداوم حکومت دینی پای فشارند.

اگر خواست جدائی دین از حکومت، تنها محدود به نیروهای سکولار و آزادیخواهی بود که سالهاست این خواست را در برنامد خود گنجانده‌اند و به

چهار شرط

اتحادیه

اروپا

برای

گسترش

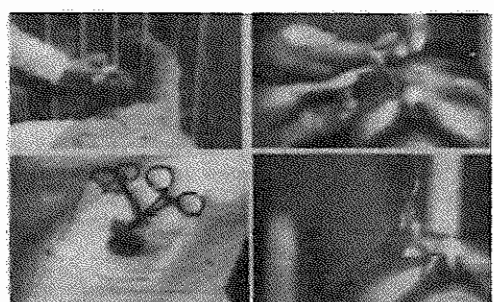
رابطه با

جمهوری

اسلامی

ادامه از صفحه اول

مجازات اسلامی در حکومت اسلامی صحنه‌هایی از از حدقه در آوردن چشم



یک پاسدار حکم را قرائت می‌کند:
... آقای سید نقی طباطبائی، فرزند سید رضا، محکوم به از حدقه در آمدن چشمان خود می‌شود. این حکم بر اساس دادنامه شماره ۶۳ - ۵ - ۱ - ۱۹۱ صادره توسط شعبه ۱۳۲ دادگاه کیفری تهران... و تنفیذ شده توسط شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور، اجرا می‌شود... متهم محکوم به از حدقه در آوردن هر دو چشم شده است. اگر متهم جرم دیگری مرتکب نشده باشد، او بلافاصله بعد از اجرای حکم آزاد خواهد شد. رئیس محترم زندان قصر، رئیس بهداری زندان، نماینده پزشکی قانونی و برادران پلیس قضائی می‌باید بر اجرای حکم نظارت داشته باشند. همه اقدامات پزشکی لازم بعد از اجرای حکم باید صورت گیرند.

ضجه‌های محکوم: ای خدا، ای خدا، ای خدا، دکتر جان. تو را به خدا یک کاری بکن. ای خدا، تو را خدا یک کاری بکن. دکتر جان تو را خدا یک کاری بکن. ای خدا...

محکوم: دکتر جان، ای خدا، ای خدا...
فیلمبردار: دکتر دستت را بردار.
محکوم: دکتر دارم بهت می‌گم. من دیگر نمی‌بینم. چشمم را بگذار بماند...
فیلمبردار: دکتر دستت را کنار ببر.
دکتر: سید نقی...
یک پاسدار: تمامش کن، برو پی کارش...
دکتر: پلک هایت را باز نگه دار!
ضجه محکوم: ای خدا... ای خدا...
فیلمبردار: دکتر، دستت جلوی دوربین است.
ضجه محکوم: دکتر فشار نیاور. ای خدا، سرم داره می‌ترکه. ای خدا، چشمم...

از مذاکرات با مقامات ایران که روز ۱۰ سپتامبر در تهران صورت گرفت در بیانیه‌ای، چهار «زمینه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است را پیش از گفتگوهای دو جانبه که قرار است ماه آینده صورت بگیرد، مطرح کرد. بنا به گزارشها در بیانیه اتحادیه اروپا آمده است که در مورد خاورمیانه این اتحادیه ایران را ترغیب می‌کند تا در هماهنگی با توافق بین‌المللی، «موجودیت دو کشور اسرائیل و فلسطین» را قبول کند. قراردادهای بین‌المللی در باره عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا و به طور کامل اجرا کند، وضعیت حقوق بشر را بهبود بخشد و همچنین، قطعنامه ۳۷۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را در باره منع کمک مالی به تروریسم به طور کامل به اجرا درآورد.

جمهوری اسلامی از آنها خواسته‌اند که به پایمال کردن حقوق انسانی، محاکمات فسرمایشی و تعقیب و آزار آزادیخواهان در ایران پایان دهند.

معاون وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که ایران هیچ پیش شرطی را از سوی اتحادیه اروپا، برای شروع مذاکرات مسربوط به همکاری‌های بازرگانی بین دو طرف نمی‌پذیرد. «علی آهنی»، معاون وزیر امور خارجه ایران در امور مربوط به اروپا و آمریکا، که به اسپانیا سفر کرده، افزود که در مذاکراتی که اخیراً بین تهران و اتحادیه اروپا صورت گرفت دو طرف دیدگاه‌های خود را در مورد همکاری‌های دو جانبه به روشنی و صراحت تبیین کردند. اتحادیه اروپا یک روز پس

مسائل مربوط به بحران خاورمیانه، ثبات افغانستان، حمله احتمالی آمریکا به عراق و نیز مسئله حقوق بشر در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

شورای وزاری خارجه اتحادیه اروپائی حدود ۲ ماه قبل، پیشنهاد کمیسیون اروپا مبنی بر گسترش مناسبات تجاری با جمهوری اسلامی را مورد تأیید قرار داد ولی انجام آنرا منوط به بهبود وضع حقوق بشر در ایران دانست. نمایندگان اتحادیه اروپائی، طی ماه‌های اخیر، بارها در دیدار با مسئولان

نامه سرگشاده انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور به هشتمین اجلاس خبرگان رهبری

شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت در نامه ای خطاب به نشست نمایندگان مجلس خبرگان، رهبری حکومت اسلامی را به شدت مورد انتقاد قرار داد. متن این بیانیه بدین قرار است.

پس از عرض سلام خدمت حضرات آیات محترم عضو مجلس خبرگان رهبری آغاز به کار هشتمین اجلاس خبرگان را بهانهای دانستیم برای گفتگویی صریح و شفاف در جهت بیان خواسته ها و دردهای گفته و ناگفته خود و هم نسلان خود که سالهاست با متانت و صبر و طمانینه تمام خواسته های به حق خود را از

به اراده جمهور را امری ضروری می دانند. رژیمی بدون چنین لوازمی هر چند به لحاظ صوری دمکراتیک باشد خواهد ناخواه به آفت استبداد و استبدادزدگی دچار خواهد شد. حال چه این استبداد، استبداد سلطنت باشد و چه به تعبیر مرحوم آیت الله نائینی استبداد نعلین و در نهایت آنچه خواهد توانست جلوی استبداد را بگیرد، شعور و آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم و نظارت آنها بر کار حکام است.

نظام مردم سالار در تصمیم گیری های خود و کلان خود اراده مردم را لحاظ می کند و قانون اساسی را به عنوان جهت گیری کلی نظام شرط

چگونه است که تنها مطرح شدن طرحی همچون نظارت استصوابی و یا قانون مطبوعات در مجلس نمایندگان منتخب ملت، رهبری را چنان بر آشفته که چاره ای جز دخالت مستقیم در جهت تعطیل شدن این طرح ها نمی بیند

لازم بازی سیاسی خود می دانند. تفاسیر مطلوب از این آرمان جمعی توسط منتخبین اراده ملت به عنوان لزوم شرایط باید از زایش قوانین خلق الساعه و احکام حکومتی که فاقد ثبات و اصالت لازم می باشد جلوگیری نماید تا استبداد رای جایگزین رایزنی های عمومی نگشته و مشروعیت و اراده جمهور خدشه نیپذیرد. بی شک صدور اوامر هماهنگی و یا احکام حکومتی، چیزی جز خدشه بر همان مشروعیت جمهور مردم نخواهد بود.

امروز فرمانبرداری انفعالی و بی تفاوتی اجتماعی چنان در کشور گسترش یافته که مصداق غنی در قلعه خود و فقیر هم بر سر دروازه اش گشته و گویی مردم باید قدرت های موجود را به هر قیمت ولو به عذاب، تحمل کنند و این ریشه در تز نظام فقط یک نظام است و همه باید به عنوان نظام واحد حرکت کنند، دارد. امروز متأسفانه نفع دین، با همه لطافتش برای حکومت موجود، بسان فایده مسیحت برای سیاست مدنی قرون وسطی است. مخالفت های درونی با تقویت عقاید، همسان مخالفت های علنی، افشا و مجازات می گردد تا تمام تضادهای اجتماعی به طور کامل مرتفع شده و حقیقت واحد ممکن شود.

امروز حکومت با جعل نصفه نیمه ای از برابری ملی سعی در مساوات طلب جلوه دادن خود نموده، که گویی ارایه تئوری های خودی و غیر خودی در گذشته ای نه چندان دور فراموش گشته است.

امروز گروه نخبه حکومت طبقه ای خود را و انحصاری گشته و ورود به این جرگه نه از طریق رقابت های پارلمنتاریستی، بلکه فقط شرایط برای توده ای خاص با ایدئولوژی خاص فراهم و از ورود غیر همگون به لایه های اصلی تصمیم گیری که حجم عظیم آن انتصابی است، به انحاء مختلف جلوگیری می گردد. براسی در این شرایط چگونه شعار وحدت ملی، وفاق جمعی و حکومت علوی، رفتار علوی و افتخار حسینی را با این همه دشمن خوانی هر مخالف و ساده لوح لقب دادن هسر منتقد و سرکوب هر صدای ناخوشگوار برای حکومت و زندانی کردن هر آنکه غیر از خواست حکومت می اندیشد و

سخن می گوید تفسیر کنیم؟ کدام رفتار را منطبق با رفتار (ع) به عنوان رهبر جامعه اسلامی بدانیم؟ زندانی کردن دهها و بلکه صدها نویسنده و روشنفکر مستقل به بهانه دگراندیشی و تنها با معارض خوانی رهبری در سخنرانی اردیبهشت ماه ۷۹ را چگونه با رفتار علوی تطابق دهیم؟

بستن بیش از هشتاد روزنامه که بزرگ ترین جرمشان افشای سالها جنایت ماموران به اصطلاح امنیتی نظام بوده است و بیشترین اقدامشان جلوگیری از راهیابی آنان که به خواست ملت نیستند به مجلس بوده است با کدام مشی آزادی خواهانه علی (ع) و کدام منش آزادمردهانه حسین بی علی (ع)، سازگار بدانیم؟ مگر نبود که علی (ع) بزرگترین دشمنان خود را که عداوت و دشمنی شان اظهر من الشمس بوده، را تا آنجا که دست بر اسلحه نبرده اند، در جهت بیان مخالفت هایشان آزاد گذاشت و اجازه هیچ تعرضی به ایشان را نداد. به راستی آن همه روزنامه نگار که تنها سلاح شان قلم های شکسته از جور زمانه بود و یا آن همه پیران نهضت آزادی و گروه های ملی مذهبی دست به کدام اسلحه مرگبار برده بودند که شایسته این همه ظلم و تحقیر و ستم شدند؟ چگونه به وفاق ملی بیندیشیم در حالی که کوچک ترین رقابت سیاسی، براندازی و خرابکاری و اقدام علیه امنیت ملی تفسیر و نشانه وجود تضادهای اجتماعی شمرده می شود که می باید محو شود؟ آیا این سیاست و شعار وفاق ملی سر داده شده با این نحوه عمل در رفتار جز یک تظاهر بورژوازی نیست؟

امروز دیگر رای و نظر همان نمایندگان منتخبی که از انواع و اقسام فیلترهای شورای نگهبان نیز گذشته اند همچون سکه های عباسی بی اعتبار و بی ارزش شده است که دیگر امید عافیت نیز از خودشان ریوده و بعد داد سخن از وفاق ملی و عزت و افتخار حسینی می دهیم؟ این همه کشمکش و رفت و برگشت طرح ها و لاریج و رد هرگونه طرحی که کوچکترین انحصار شکنی و تحقق خواست ملت را خواستار است از سوی شورای نگهبان منتصب رهبری را به چه تفسیر کنیم؟ آیا این همه قلب و دغبل در جهت تحقق وحدت ملی و وفاق جمعی است؟ به راستی این همه بحران و کشمکش بر سر طرح هایی چون جرم سیاسی، نظارت استصوابی، قانون مطبوعات و ... مصداق کدام مدیریت و مدیریت است که باید شما بر آن نظارت داده

باشد؟ چگونه است که تنها مطرح شدن طرحی همچون نظارت استصوابی و یا قانون مطبوعات در مجلس نمایندگان منتخب ملت رهبری را چنان برآشفته که چاره ای جز دخالت مستقیم در جهت تعطیل شدن این طرح ها نمی بیند، ولی از آن طرف، صدور حکم برانث برای یورش بران به کوی دانشگاه، دستگیری و زندانی نمودن دهها بی گناه بی اثبات جرم و بنا به قانون شاهنشاهی سال ۱۳۳۹ و بستن هزارها افترا بر ایشان و این همه تسبیح حقوق ملت در رد لاریج و طرح ها، که همه در مجموعه زیر دست ایشان صورت می گیرد، هیچ گونه واکنشی را جز سکوت که شاید ناشی از رضایت است در ایشان برنیا نگیخت؟ آیا این همان عدالت علوی است که تاب تحمل کوچکترین ظلم ممکن (و نه واقعی) را بر مردمان جامعه اش نداشت؟! ... اعلم بالصواب.

براستی اگر میثاق ملی ما در جهت رفع و حل و فصل امور و فصل الخطاب پذیرفته شده مان قانون اساسی است این همه به ظاهر حل و فصل امور و اختلافات در پشت پرده و مصالحه بر سر منافع ملت و به سیاق شیخونیت و نه در قالب جمهورییت، کجا نشان از تمکین به رای و اراده جمهور دارد؟

آیا ساختن یک مرکز قدرت با اختیارات فرابشری و مصون از هرگونه چون و چیرا و پرسش، برای ملت خطرناک نیست؟ و بخشیدن مصونیت های پولادین به برخی نهادهای انتصابی خطرناکتر از هر دشمن خارجی نیست؟

از شرایط رهبری مندرج در قانون اساسی است که رهبر باید مدبر، شجاع، عالم، عادل، آگاه به عصر خویش و ... باشد، آیا صدور احکام حکومتی و اعمال خواسته ها و سلیقه های فردی در دستگاه های زیر دست و ایجاد شرایط بن بست سیاسی و اجتماعی و حاکم ساختن فضای بی تفاوتی و بی انگیزگی به آن حد که بخشی از حاکمیت را نیز به فکر جدانی از حاکمیت انداخته، با مدیر و مدبر بودن رهبری سازگار است؟ آیا حمایت صرف و بی چون و چیرا از یک جریان و طیف و حذف هر آن چه غیر از آن است، مصداق مدیریت یک جامعه بحران زده است؟ آیا این همه جفا در مظلومیت ملت و ظلم روزافزون مضاعف بر ظلم های پیشین از جانب دستگاه قضا و بستن انواع و اقسام انگ ها و تهمت ها برای حذف هر مخالف نشان از عدالت است؟

آیا عالیت یعنی خودمطلق انگاری و حصر و حبس هر آنکه نفی و نقد اندیشه خودی نماید؟ آیا اتخاذ سیاست های جزئی و عدم انعطاف پذیری به شرایط زمان و مکان، آن هم در جایگاه تصمیم گیری برای مصالح ملی آگاهی از عصر خویش است؟ تصمیمات شتاب زده و نسنجیده شخصی بدون آینده نگری موجب می شود به طور مثال یک روز جهان اسلام را به عدم صدور نفت تشویق و روز دیگر با تهدید به انسداد صدور مجبور به فراموشی آن چیزی شویم که سلاحش می خوانیم.

سپاه پاسداران که بالاترین مقام آن توسط رهبری منصوب می شود، از صلحی مسلح حمایت می کند که گویی این نظام تافته ای جدافافته از نظام بین الملل یا جزیره ای دور از تمدن و بدوی است. توهم توطئه سیاست خارجی کشور را تحت الشعاع خود قرار داده است. اگر نظامی را پس از گذشت بیش از دو دهه با ۲۰ میلیون دلار بودجه که هیچگاه در مقام عمل چنین بودجه ای صرف نشد، بتوان برانداخت، پس چه اقتداری را برای آن می توان در نظر گرفت؟ قوه قضائیه که بالاترین مقام آن توسط رهبری منصوب می شود با استفاده ابزاری از قانون، شاکیان را در جایگاه متهم نشانده است و

تبعین کننده ساختار جمهوری اسلامی و جایگاه نهادهای مختلف حکومت است که باید مبنای و فاسق میلی قرار گرفته و محور انسجام دستگاه های گوناگون تلقی شود. از این رو همه نهادهای قانونی کشور باید مورد حمایت قرار داشته و برای انجام وظیفه محوله فرصت و امکانات مناسب در اختیار داشته باشند. مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانون گذاری، شورای نگهبان به عنوان نهاد قانونی برای تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی و نظارت موثر بر انتخابات و مجمع تشخیص مصلحت به عنوان مرجع نهایی در حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان و ارائه سیاست های کلان کشور و نیز قوه قضائیه برای وظایف سنگینی که در قانون اساسی بر عهده آن نهاده شده است، باید هر یک در جایگاه خود از اعتبار لازم برخوردار باشند. بند هفتم این بیانیه مجلس خبرگان رهبری را یکی از مظاهر مردم سالاری دینی خوانده است.

هشتمین اجلاس رسمی دور سوم مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد. در بند اول این بیانیه تز جدائی دین از حکومت مورد انتقاد قرار گرفته و آمده است: جمهوری اسلامی همانگونه که پندار پوسیده جدائی دین از سیاست را طرد کرد، الگوهای مبتنی بر سکولاریسم و نفی مرجعیت دین در حکومت را نیز بر نمی تابد. در نظام ما، نه تنها جمهوریت، با اسلامیت تقابلی ندارد، بلکه اسلام بر مشارکت مردم در اداره حکومت تاکید دارد و اساسا در کشور ما، اسلام میدا و منبع خیزش ملت و حضور اجتماعی مردم بوده است. در بند دوم این بیانیه در مورد رهبری تاکید شده است: رهبری عامل اساسی همبستگی ملت و ثبات حکومت است، فرض الله الامامه نظاما للامه، برگرد آن نهادها با یکدیگر همکاری نموده و انسجام ملی حفظ می گردد و خیمه نظام، با این ستون برافراشته می ماند: ان والی السملین مثل العمود فی وسطه الفسطاط. از این رو حفظ قداست رهبری و حراست از جایگاه

هشتمین اجلاس رسمی دور سوم مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد. در بند اول این بیانیه تز جدائی دین از حکومت مورد انتقاد قرار گرفته و آمده است: جمهوری اسلامی همانگونه که پندار پوسیده جدائی دین از سیاست را طرد کرد، الگوهای مبتنی بر سکولاریسم و نفی مرجعیت دین در حکومت را نیز بر نمی تابد. در نظام ما، نه تنها جمهوریت، با اسلامیت تقابلی ندارد، بلکه اسلام بر مشارکت مردم در اداره حکومت تاکید دارد و اساسا در کشور ما، اسلام میدا و منبع خیزش ملت و حضور اجتماعی مردم بوده است. در بند دوم این بیانیه در مورد رهبری تاکید شده است: رهبری عامل اساسی همبستگی ملت و ثبات حکومت است، فرض الله الامامه نظاما للامه، برگرد آن نهادها با یکدیگر همکاری نموده و انسجام ملی حفظ می گردد و خیمه نظام، با این ستون برافراشته می ماند: ان والی السملین مثل العمود فی وسطه الفسطاط. از این رو حفظ قداست رهبری و حراست از جایگاه

گویی چشمان فرشته عدالتش لوچ است و در عمل قانونی که در باره افراد جاری می شود محصول موقعیت آنهاست و این موقعیت هرچه نازتر باشد، قوانین جاریه نیز در کاربرد، زمانبندی و نتیجه اعتباری تر خواهد بود. قانون عملی نه با آن چه که می گوید بلکه، مطابق مقصود آن تفسیر می شود، بعبارت دیگر تبعیت از قانون نه تنها کافی نیست، بلکه خدعه آمیز است و دادگاهها، بیدادگاهی بیش نیست که در احکام صادره دایره المعارفی از پرسش ها گرد آورده اند. ای عجب دلتان بنگرفت و نشد جاتان ملول

تا دیوارها خراب نشده و سقف آسمان قدرت ویران نشده و تا سیل بنیان کن همه مان را نبرده و اسکندری، آتش در خرمنگاه خشک و ترمان نزده خود بر اصلاح امور و تصحیح راه های به اشتباه طی شده اقدام کنید

زین هوای عنف، زین آب های ناگوار - آیا دامن زدن به اختلافات ساخته شده از جانب قدرت، در مجموعه دانشجویی دفتر تحکیم وحدت، با وحدت با ارسال پیام های آن چنانی برای یک گروه، به امید ساکت کردن و خفه کردن فریاد اعتراض و نقد قدرت طیف دیگر که از قضا بیش از نود درصد مقبولیت و مشروعیت را در بین دانشجویان داراست، با وحدت و وفاق ملی سازگار است؟ بارها گفته ایم و باز می گوئیم که چه باور کنید و چه نکنید، این مجموعه (دفتر تحکیم وحدت) با همه فریادها و اعتراضات و ناسازگاری های آخرین سوپا های اطمینان در میان نسل جوان بوده و می باشد که تعطیلی و بستن این سوپا های اطمینان، نتیجه ای جز انفجار برای آن حاصل نخواهد گشت.

بنابراین از شما به عنوان جرگه بزرگان دینی نظام می خواهیم که تا در دیوارها خراب نشده و سقف آسمان قدرت ویران نشده و تا سیل بنیان کن همه مان را نبرده و اسکندری، آتش در خرمنگاه خشک و ترمان نزده خود بر اصلاح امور و تصحیح راه های به اشتباه طی شده اقدام کنید بلکه ذره ای از عطش لیان تشنه عدالت و آزادی را فرو نشانید، که نسل بعد از ما قطعا این گونه سخن نخواهد گفت.

رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس - گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت اعضای شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت انجمن اسلامی دانشگاه های:

الزهر، صنعتی امیرکبیر، صنعتی شریف، علامه طباطبایی، خواجه نصیرالدین طوسی، علم و صنعت ایران، تربیت معلم تهران، شیراز، علوم پزشکی شیراز، علوم پزشکی ایران، دانشگاه اراک، شهر کرد، شهید چمران اهواز، علوم پزشکی کرمانشاه، صنعتی اصفهان، برق و مخابرات، امور اقتصادی، دامغان، بیرجند، ایلام، علوم پزشکی یزد، دانشگاه لرستان، زابل، بوعلی سینا همدان، علوم پزشکی همدان، علوم پزشکی یاسوج، فردوسی و علوم پزشکی مشهد، تربیت معلم سبزوار، ارومیه، صنعت آب و برق (شهید عباس پور)

تبعین کننده ساختار جمهوری اسلامی و جایگاه نهادهای مختلف حکومت است که باید مبنای و فاسق میلی قرار گرفته و محور انسجام دستگاه های گوناگون تلقی شود.

از این رو همه نهادهای قانونی کشور باید مورد حمایت قرار داشته و برای انجام وظیفه محوله فرصت و امکانات مناسب در اختیار داشته باشند. مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد قانون گذاری، شورای نگهبان به عنوان نهاد قانونی برای تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی و نظارت موثر بر انتخابات و مجمع تشخیص مصلحت به عنوان مرجع نهایی در حل اختلافات مجلس و شورای نگهبان و ارائه سیاست های کلان کشور و نیز قوه قضائیه برای وظایف سنگینی که در قانون اساسی بر عهده آن نهاده شده است، باید هر یک در جایگاه خود از اعتبار لازم برخوردار باشند. بند هفتم این بیانیه مجلس خبرگان رهبری را یکی از مظاهر مردم سالاری دینی خوانده است.

هشتمین اجلاس رسمی دور سوم مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه ای به کار خود پایان داد. در بند اول این بیانیه تز جدائی دین از حکومت مورد انتقاد قرار گرفته و آمده است: جمهوری اسلامی همانگونه که پندار پوسیده جدائی دین از سیاست را طرد کرد، الگوهای مبتنی بر سکولاریسم و نفی مرجعیت دین در حکومت را نیز بر نمی تابد. در نظام ما، نه تنها جمهوریت، با اسلامیت تقابلی ندارد، بلکه اسلام بر مشارکت مردم در اداره حکومت تاکید دارد و اساسا در کشور ما، اسلام میدا و منبع خیزش ملت و حضور اجتماعی مردم بوده است. در بند دوم این بیانیه در مورد رهبری تاکید شده است: رهبری عامل اساسی همبستگی ملت و ثبات حکومت است، فرض الله الامامه نظاما للامه، برگرد آن نهادها با یکدیگر همکاری نموده و انسجام ملی حفظ می گردد و خیمه نظام، با این ستون برافراشته می ماند: ان والی السملین مثل العمود فی وسطه الفسطاط. از این رو حفظ قداست رهبری و حراست از جایگاه

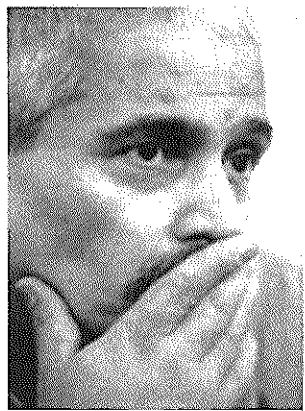
خواب شیرین فرهاد

تهران یکی از نهادهایش را از دست داد

علیرضا محمودی



موفقیت این نوع دوبله آوازی فیلم باعث شد که ده سال بعد (۱۳۴۵) علی کسمایی مدیر دوبلاژ سخت‌کوش و پر وسواس آن سال‌ها دوبله فیلم موزیکال معروف آوای موسیقی محصول آمریکا (۱۹۵۶) ساخته رابرت وایتر (در ایران با عنوان اشک‌ها و لبخندها به نمایش درآمد) را با همین روش اما به شکل کاملا حرفه‌ای و پخته‌ای انجام دهد. در این فیلم «سودابه صفاپناه»، نازیلا زند کریمی، «رشید وطن پرست»، «همايون معزی مقدم»، «سینا قدیری»، «آزیتا آزرمی»، «شمسی شادمند» «نسرین آزرمی» آوازها را اجرا کردند. آوای موسیقی در استودیو دماوند دوبله شد و استقبال از آن به حدی بود که صفحه آوازهای دوبله‌شده فیلم که شعر آن‌ها را «تورج نگهبان» (ترانه‌سرای معروف) گفته بود، به بازار عرضه شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. توجه عمومی به دوبله این فیلم که در آلمان صداگذاری شده بود، واردکنندگان فیلم‌های خارجی را به ادامه این راه ترغیب کرد. در سال ۱۳۴۶ به علی کسمایی دوبله فیلم موزیکال بانوی زیبای من (۱۹۶۴) محصول آمریکا ساخته جورج کیوکز و با شرکت «آدری هیورن» و «رکس هریسون» پیشنهاد شد. کسمایی چون فیلم قبلی برای اجرای آوازها به دنبال صداهایی تازه می‌گشت، در این فیلم که آوازهایش توسط تورج نگهبان سروده شده است ترانه‌ای وجود دارد با عنوان «آگه به جو شانس داشتم» این ترانه را بازیگر نقش پدر آدری هیورن در باره زندگی فقیرانه‌اش می‌خواند. کسری برای اجرای این ترانه دنبال خواننده‌ای با صدای بم و گرفته می‌گشت تا این که کسی به او جوانی را معرفی کرد که در کافه‌های متوسط تهران ترانه‌های خارجی را با گیتار می‌نواخت و می‌خواند. جوانی ۲۴ ساله که بیگل و الویس می‌خواند و صدای به شدت گرفته دارد. نام او در دفتر استودیو ثبت می‌شود: فرهاد معروف به فرهاد بلککت (گره به سیاه) خواننده معروف استودیو آر ای و پس از چندبار بهترین ترانه را اجرا می‌کند. اما به دلایلی نامعلوم این ترانه با صدای خواننده روس با نام دانیل گوزوین (هم‌اکنون خواننده اپرا در لس آنجلس) روی فیلم ضبط می‌شود. ترانه «آگه به جو شانس داشتم» با صدای فرهاد بلککت در دنبال موفقیت روی صحنه ۳۴ دور با قیمت ۳ تومان در صفحه‌فروشی‌های تهران همراه با دیگر ترانه‌های فیلم توزیع می‌شود اما هیچ‌کس صاحب آن صدا را نمی‌شناسد مضمون ترانه که تا کاید بر شانس و اقبال و جایگاه آن در رشد و ترقی آدم‌های فقیر چندان دندان‌گیر نبود که خواننده آن را مشهور کند. فرهاد راهی رستوران کوچینی می‌شود. رستوران کوچینی بلوار الیزابت (بلوار کشاورز) همراه با صرف شام موسیقی روز جهان را توسط خواننده جوانش به مشتریان عرضه می‌کند. دو سال بعد یک پیک از طرف سازمان سینمایی پیام پله‌های کوچینی را پایش می‌رود تا به فرهاد بلککت بگوید که یک کارگردان و آهنگ‌ساز به همراه شاعری منتظرش هستند.



مرگ فرهاد مهرداد در غربت همان‌گونه اتفاق افتاد که انتظار می‌رفت. دور و تلخ با حاشیه‌ای از حسرت و هاشوری از عصیان خواننده، میل میهم برآشتگی در گرگ و میش شبی دور از وطن چون ترجیح بند همان ترانه شبانه به ما جماعت حالی کرد که حوصله ندارد. البته بی‌حوصلگی او سال‌هاست که با بی‌حالی ما متناسب شده و چندان که انتظار می‌رفت، آن تلخی عمیق که از پاریس به تهران مخایره شد نتیجه‌اش جز چند خبر و یادداشت در روزنامه‌ها چیز دیگری نخواهد بود. آخر او نه سلطان قلب‌ها بود و نه شاعر آینده. او ۳۰ سال پیش در چم سال‌های آرامش قبل از طوفان به اندازه انگشتان دو دست ترانه‌های تلخ و گزنده‌ای خوانده بود. نمی‌اشعار این ترانه‌ها تحفه دفتر شعر بود که در شیرازه شهر مدرن‌شده تهران، خاکستر کودتا و شوکران سرکوب را می‌چسبیدند. شاعرانی با چنین کلام و آوایی فرهاد به نماند بی‌بدیلی از تهران تب‌زده و عصیانی دهه ۱۳۵۰ تبدیل شد. او در اوج به‌ترین معاصر طعنه خوشبختی سطحی بود که پول‌های بی‌حساب نفت می‌آفریدند. او با خواندنش آرامشی را به هم می‌زد که حاصل فعالیت وزارت ترس بود. در آن دوران هرکنایه‌ای استعدادی بود برای گسترش کینه و خشم. و فرهاد از درون ضجه‌های بی‌صدای سارقان ناگام فیلم‌های موج نو سینمای ایران، بهانه‌ای شد برای آن‌که هر کسی در تنهایی خودش سلاحش را صیقل بزند برای روز انتقام.

اما ۳۰ سال از این نماد عصیان چیزی جز چند آلبوم غم‌خوارانه و ترانه رنگی و یک کنسرت در هتل شرق چیزی باقی نماند. او آنقدر خسته بود که صدایش تاب یک سوت کشیده برای ترانه جمعه را هم نداشت. حالا همه خبر را شنیدند: فرهاد تمام کرده است و این رسمی ابدي است. چه در تهران. چه در پاریس. هیچ‌کس نمی‌توانست برایش کاری کند: ماهی‌ها در خاک می‌میرند.

شنبه: روز بد

همه چیز از سینما شروع شد. هنری که با خون تازه‌ای که جوان‌ها در رگ‌های ریخته بودند جان می‌گرفت. یک سال پس از قیصر (۱۳۴۸) علی عباسی مدیر سازمان سینمایی پیام از مسعود کیمیایی کارگردان جوانی که با فیلم دومش شهر را به هم ریخته بود خواست تا فیلم جدیدش رضا موتوری (۱۳۴۹) را برای او بسازد. توجه به جوان‌ها فقط به دلیل بحث‌انگیزی ساخته‌های آن‌ها نبود. قیصر و طوقی (علی حاتمی) ساخته‌های دوم جوان‌های تازه نفس، نفس گشته‌ها را بریده بود. کیمیایی به ترکیب سازندگان قیصر در رضا موتوری چندان دست نمی‌برد. همه هستند: کیارستمی، نادری، وثوقی، مفید، پرتو، منفردزاده. کیمیایی برای پایان فیلم تلخی که ساخته ترانه می‌خواهد رضا سوار بر موتور سوزوکی به دست مهد الکی زخمی شده و قبل از آن که با سیرهای ماشین حمل زباله آخرین نفس را بکشد و پیام واپسین را برای تنها رفیقش عباس قراشه بفرستد کمی در خیابان‌های باران خورده شهر چرخ می‌زند. اینجا، همان جایی است که ترانه می‌خواهد. به سراغ دوستش شهباز قنبری می‌رود قرار می‌شود شعر ترانه را او بگوید یک شب خوابیدن در طبقه دوم سازمان سینمایی پیام باعث تولید ترانه‌ای می‌شود که برخلاف همه ترانه‌های آن زمان قافیه ندارد. قرار است خواننده کلمات را کشیده و بم بخواند. پیشنهاد اولیه عماد رام است اما خواندن عماد رام روی فیلم منتفی می‌شود. جستجو برای یک خواننده با صدای بم در شهر آغاز می‌شود.

برای ادامه داستان مجبوریم کسی به عقب بگردیم. در سال ۱۳۳۴ فیلم زیبایان شب (۱۹۵۲) محصول ایتالیا و فرانسه ساخته رنه کار (در ایران با عنوان رویای شیرین نمایش داده شد است) با دوبله متفاوتی در سینما رویال به نمایش درآمد و با استقبال خوبی روبرو شد. این فیلم موزیکال با مدیریت دوبلاژ سیامک سیاسی (کارگردان گنج قارون) در استودیو سانترال دوبله شده بود. تفاوت دوبله این فیلم با بقیه فیلم‌هایی که سال‌ها دوبله می‌شد در نحوه اجرای ترانه‌های آن بود. برای دوبله آوازهای این فیلم برای اولین بار ارکستر مجلسی موسیقی آواز را مجدداً نواخت و «اولین باغچه‌بان» و «منیر وکیلی» ترانه‌ها را که ترجمه و دوباره سروده شده بودند، اجرا کردند

نکرد. (رادیو هر از چندگاهی به مناسبت هفته وحدت ترانه فرهاد را پخش می‌کند). در سال ۱۳۷۷ نامه‌ای در حمایت از کرباسچی برای روزنامه جامعه نوشت. در همان سال کنسرتی در هتل شرق تهران برگزار کرد. به درخواست همه خبرنگاران برای گفتگو پاسخ منفی داد. به کانادا رفت کنسرتی برگزار کرد که نوار VHS آن در تهران منتشر شد و شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۱ در سن ۵۹ سالگی در بیمارستانی در پاریس بر اثر بیماری هیپاتیت C درگذشت.

شنبه: موش خورده شناسنامه من

اگر کسی بخواد در باره تحولات اجتماعی - فرهنگی دهه پنجاه ایران مطالعه کند، حتما باید در نظر داشته باشد که عصاره و جان‌مایه این تحولات که حاصل دگرگونی‌های سیاسی اقتصادی است در شعر و ترانه فرهاد مهرداد موج می‌زند.

ایران بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ گذار هم‌جانبی را به سوی اقتصاد سرمایه‌داری پشت سر گذاشت. اصلاحات ارضی، افزایش بی‌وقفه درآمد نفت، فرایند حرکت به سمت سرمایه‌داری را عمیق‌تر می‌کرد. صنعت مونتاژ با کمک دولت و کشورهای خارجی پا گرفت، تورم مهار شد و کشور به سمت یک مدل توسعه نامعلوم اما مبتنی بر سرمایه‌داری، ارتش قوی و حفظ کیان سلطنت حرکت می‌کرد. جمعیت کشور در سال ۱۳۵۵ به ۳۳/۶ میلیون نفر رسید و جمعیت شهری از ۲۲ درصد از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۱۹ به ۴۷ درصد رسید. تهران در سال ۱۳۵۶ پذیرای ۱۴ درصد کل جمعیت ایران بود و درآمد سرانه ایرانیان به مرز ۱۵۱۴ دلار در سال ۱۳۵۶ بالغ شد. همه چیز بوی خوش نفت و دلار می‌داد. اما در پس این ظواهر کشور به شدت از فساد، مصرف پر ریخت و پاش، خریدهای دیوانه‌وار تسلیحاتی و سلطه بی‌بم و کاست دربار و خانواده سلطنتی رنج می‌برد. وابستگی شدید نظام به کشورهای بزرگ و حمایت‌های آن‌ها همه نشان می‌داد حال ایران فقط در برخی ارقام خوش است. انجام مراحل حرکت به سوی دروازه‌های بزرگ که با انجام مراسم پرخرجی ابعاد فرهنگی و تاریخی نیز به آن داده می‌شد، باعث جدایی افشار روشننگر، دانشجو، کارگران و دهقانان از جریان به شدت تبلیغ‌شده رسمی کشور بود که از هر که دوست نداشت با آن هم‌پاله شود می‌خواست که کشور را ترک کند.

اما قرف به شدت چهره خود را نشان می‌داد کافی بود که از مرکز تهران کمی دور می‌شدیم تا حاشیه‌نشینیان و گودنشینان را ببینیم. روستاها از نظر امکانات رفاهی سهم ناچیزی داشتند و همه چیز از کلام تا واقعیت به یک تناقض بزرگ شبیه بود. با این همه درآمد ما کشور فقیری بودیم. این تناقض‌ها با عث به وجود آمدن زمینه‌های فرهنگی و هنری گسترده‌ای برای اعتراض و عصیان بر علیه تناقض‌های جامعه ایرانی در این سال‌ها و شکل‌گیری نوعی اخلاق اپوزیوسیونی نزد هنرمندان ایرانی شد. در حالی که مجاری رسمی و رسانه‌های عمومی کشور قصد داشتند اوضاع را عالی و بی‌مشرف‌های ایران در عصر قبل از پیروزی را چون پرده‌ای بزرگ بر واقعیت‌های موجود بگسترانند. نویسندگان، شاعران، فیلم‌سازان و روشنفکران ایرانی به شدت اوضاع را و خیم توصیف می‌کردند. در خلال این گرایش نطفه‌های اولیه عصیان و حرکت برخلاف جریان رسمی به شکلی گسترده وارد هنر ایران می‌شود و چون مرانامه‌های نانوخته دست به دست می‌گردد و اجرا می‌شود. فرهاد مهرداد در طول این سال‌ها (۱۳۵۷ - ۱۳۴۸) ترانه خوان که شعر نیمی از آن‌ها توسط شهباز قنبری و نیمی دیگر سروده احمد شاملو، سیاوش کسری، ایرج جنتی عطایی است. مضمون مشترک همه این ترانه‌ها برآشتگی بر وضع موجود است. این ترانه‌ها اوضاعی را توصیف می‌کنند که سرشار از خستگی، تلخی، بی‌هویتی، ناامیدی و دلواپسی‌های کوچک و بزرگ است. آینده تلخ و عیوس و گذشته توسط چرخ گشتی عظیم و میهم و به درنخور شده است. در این میان همه چیز راه به بن‌بستی می‌رود که بیرون رفتن از آن نیازمند زنده کردن کینه و نفرتی ابدي است.

ترانه کودکان نگاهی است حسرت‌خورانه بر دل‌مشغولی‌های کوچکی که از دست رفته‌اند. ترانه «آوار» توصیفی از یک پار و رفیق نسیم‌راه که نودش آواری بر سر شاعر شده است. «ترانه

سقف

تو فکر یک سقف
یک سقف بی‌روزگار
یک سقف با بره
مکلم تر از آهن
سقفی که تن پوش هراس ما باشه
تو سردی شب‌ها لباس ما باشه
سقفی اندازه قلب من و تو
واسه لمس طیش دلواپسی
برای شرم لطیف آینه‌ها
واسه پیچیدن بوی افسوس

زیر این سقف با تو از گل، از شب و ستاره می‌گم
از تو و از هواسن تو، می‌گم و دوباره می‌گم.
زنگی ز زیر این سقف
با تو اندازه می‌گیرم
گم می‌شم تو معنی تو
معنی تازه می‌گیرم
سقفمون، افسوس و افسوس
تو بر آسمونه
یک اقیانوس، یک بی‌نهایت
کفتری، فاصله‌مونه
تو فکر یک سقف
یک سقف رویایی
سقفی برای ما، حتی فداوانی.
تو فکر یک سقف، یک سقف بی‌روزگار
سقفی برای عشق، برای تو، با من.
زیر این سقف - آگه باشه -
می‌پیچه عطر تن تو
لغتی بنظره‌هاشو
می‌پوشونه پیرهن تو
زیر این سقف
قوه عطر خود - قراوشی باشی
آخر قهقه بولاییم اول ترانه باشی
تو فکر یک سقف...

ایرج جنتی عطایی

گنجشکک اش می‌شود «تلویحی است کودکانه از مصومتی که از بین می‌رود «خسته» ترانه مفرد خستگی است. «کوچه‌ها» تعزیه مرگ است و کینه «آینه‌ها» تبلور زخمی است که آهسته آهسته روح را دچار مسخ می‌کند و «هفته خاکستری» یعنی تکرار و تکرار و روزمرگی که هر خلایقی را به جذام روح تبدیل می‌کند. اما «وحدت» ترانه‌ای که شاعرش از سیواش کسری است بر مبنای یک حدیث نبوی است که راه را به یک حمله جانانه یک ستم می‌برد. «جمعه» بازخوان تاریخ است، واقعه سیاهکل و ۱۷ شهریور و بارش خون از آسمان. همه این ترانه‌ها به خوبی روح زمانه را در درون خود پرورش می‌دهند و به شونده خسته‌ای که در پای رشد عظیم اقتصادی حاصل از نفت توانایی پاسخ به نیازهای اولیه خود را ندارد فقط یک راه باقی می‌گذارد: برآشتگی بر هر چیزی که بوی کهنگی می‌دهد.

.. و جمعه: پیش از این‌ها گفته بود

فرهاد مهرداد هیچ‌گاه در فعالیت‌های اندک هنری‌اش در سال‌های پس از انقلاب به اوجی که در دهه پنجاه رسیده بود، دست نیافت. صاحب‌نظران در این رابطه دو دلیل عمده بیشتر ندارند که در کدام از دیدگاه حرفه‌ای و اجتماعی قابل بررسی است.

دلیل اول این که فرهاد ضلعی از یک مثلث بود که دو ضلع دیگر را اسفندیار منفردزاده و شاعرانی چون شهباز قنبری تکمیل می‌کردند. مهاجرت این هنرمندان از ایران و تنهایی فرهاد و تکیه بر ماندن در ایران بزرگترین رهاوردش کاهش حس و حالی بود که در آثارش موج می‌زد. دیگر از آن شعرهای عصیانی بی‌قافیه و گویه‌های محکم خبری نبود. گرچه این هنرمندان نیز دور از وطن کاری بزرگتر از آن چه قبلاً کرده بودند، نکردند.

اما دومین دلیل که بسیار مهم‌تر از دلیل اول به نظر می‌رسد، همگونی و همخوانی هنرمند با شرایط اجتماعی است. فرهاد یک خواننده کاملاً اجتماعی و برآمده از تبعات ناهنجاری‌های اجتماعی بود. وقتی که هنرمند تا این حد وابسته اجتماعی و تغییرات آن است و هر چیز حتی نوع صدایش با حالت اجتماع و مردم تغییر و توصیف می‌شود برای در اوج ماندن باید بهای سنگینی بپردازد. در این میان کافی است پیروی و فرسودگی و بی‌حوصلگی هم مزید بر علت شود تا هنرمند جوان و پرنان‌روزی که زمانی زیر و بم صدایش با انتباهات اجتماعی تعیین می‌شد، از قافله پرشتاب اجتماع عقب بماند و دیدیم که چنین نیز شد. نه فقط برای فرهاد بلکه برای بسیاری از هنرمندان هنر اجتماعی این دیار.

فرهاد مهرداد به نسبت بسیاری از خوانندگان ایرانی، خواننده کم‌کاری است. اما گزیده کارکرد و صدایش را به هر شعر موزون، ناموزون و این شاید حرفی است که می‌توان برای مرگ هر کس دیگری زد. چرا همیشه مرگ ما را به یادآوری از دست‌رفته‌های بسیاری چیزها می‌اندازد. تهران یکی از نمادهایش را از دست داده است و مثل این که داستان همیشه‌مان داستان هفته خاکستری است نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر گفتنی‌ها کم نیست.

نامه سرگشاده جامعه مستقل وکلای دادگستری

خطاب به رییس قوه قضائیه

برخورد اخیر تشکیلات قضائی با برخی از وکلا

در طول تاریخ دادگستری ایران

بی سابقه بوده است

ریاست محترم قوه قضائیه، آیت‌الله هاشمی شاهرودی بی‌گمان مطلعید که اخیراً تعدادی از وکلای دادگستری که به ضرورت حرفه، دفاع از حقوق موکلین را به عهده داشته‌اند، برخلاف موازین و قوانین از طرف دادگاه‌های ویژه مورد تعقیب قرار گرفته‌اند. این گونه برخوردها در طول تاریخ دادگستری ایران تا به امروز بی‌سابقه بوده است. ریاست محترم قوه قضائیه، به ضرورت لازم است به استحضار حضرت‌عالی برساند که کانون وکلای دادگستری، تاسیسی قانونی است که در سال ۱۳۳۱ استقلال و شرح وظایف آن، جهت هماهنگی با سایر کانون‌های دنیا به تصویب رسیده و برابر همین قانون جهت تعقیب و مجازات وکلای دادگستری در صورت تخلف در حین انجام وظایف حرفه‌ای، مقررات دقیق وضع گردیده است. چنانچه در ماده ۱۵ این قانون می‌خوانیم که: در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخریفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتبا به دادسرای انتظامی وکلا اطلاع دهند و در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، پرونده را با صدور کفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارسال می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلا تسلیم نشد راساً از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید. ضمناً ماده ۱۷ همین قانون اشعار می‌دارد که از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا موقوف نمود، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی. بنا بر این مبانی وکلای دادگستری باید در محاکم انتظامی کانون وکلا تحت تعقیب قرار گیرند تا نسبت به اعمال آنان اظهار نظر گردد. پس مراجعی که مبادرت به تعقیب و صدور حکم محرومیت وکلا ننموده‌اند، قابل تعقیب بوده و تخلف آنان از اجرای قانون محرز است. این مواضع به صراحت در اصول ۳۴ و ۳۶ قانون اساسی منعکس است چنانچه در اصل ۳۴ قانون اساسی می‌خوانیم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید، همه افراد ملت حق دارند این گونه

۱- خانم شیرین عبادی
۲- آقای سیدمحمدعلی دادخواه
۳- آقای محسن رهامی
۴- آقای عبدالفتاح سلطانی
۵- آقای ناصر زرافشان
۶- آقای سبزه‌زاده

خلاف قانون و مصراحت مورد نظر مقنن است. جامعه مستقل وکلای دادگستری در راستای انجام وظایفی که طبق اساسنامه بر عهده دارد به منظور حفظ حیثیت جامعه قضا و وکالت مراتب را جهت امان نظر حضرت‌عالی بیان می‌دارد. در ادامه این نامه آمده است: تقاضا دارد مقرر فرمایند به منظور اجرای صحیح قانون و جلوگیری از تضییع حقوق وکلای دادگستری کمیته‌ای از حقوق‌دانان به شرح ذیل:

۱- نماینده‌ای از حقوق‌دانان قوه قضائیه
۲- نماینده‌ای از کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی
۳- نماینده‌ای از کمیسیون نظارت بر حقوق بشر ریاست جمهوری
۴- نماینده‌ای از اساتید حقوق دانشگاه تهران

۵- نماینده‌ای از طرف کانون وکلای دادگستری
۶- نماینده‌ای از طرف جامعه مستقل وکلای دادگستری
تشکیل تا چگونگی این روش، علیه وکلای دادگستری بررسی تا نسبت به رفع اثر از اقدامات انجام شده و استقرار نظم شایسته قانونی اتخاذ تصمیم شود.

فریبرز رئیس دانا در گفتگو با نشریه شهروند چاپ کانادا

درخواست اصلاحات واقعی در جامعه ایران بسیار بالاست

جنبش اصلاح‌طلبان دولتی و حکومتی در ایران یقیناً به بن‌بست رسیده و حتی قابل احیاشدن هم نیست

ناصر زرافشان در تماس با فریبرز رئیس دانا: «راهی را آگاهانه انتخاب کرده‌ام و تا انتها خواهم رفت»

گفتگو: محمد تاج دولتی

شما یکی از نزدیکترین دوستان ناصر زرافشان هستید و از زمانی که او دستگیر شده فعالیت‌های زیادی را در داخل برای آزادی او و توضیح بی‌اساس بودن اتهاماتی که به او وارد شده انجام داده‌اید. آخرین وضعیت پرونده و شرایط روحی و جسمی او چگونه است؟

در حال حاضر ناصر زرافشان دوره بازداشت خود را سپری می‌کند. وکیل او درخواستی را برای دیوان عالی کشور و اعاده دادرسی و انتقال پرونده به یک دادگاه دیگر و قبول اعتراض دادر بر عدم صلاحیت دادگاه و نارسایی تشکیل پرونده و نادرستی نحوه جمع آوری اسناد ارائه کرده است. ناصر زرافشان حدود نیم ساعت پیش ۶ بعد از ظهر جمعه ۶ سپتامبر توانست از محل بازداشتگاه به من تلفن کند. زرافشان احتمالاً اجازه تماس تلفنی محدود با بیرون از زندان را به خاطر حمایت بسیار گسترده داخلی و بین‌المللی و نیز ویژگیهای برجسته خودش توانسته به دست آورد.

زرافشان آنطور که در تماس تلفنی می‌گفت می‌تواند با سه جا تماس بگیرد و خود او انتخاب کرده که با خانواده‌اش، وکیل‌اش و من تماس داشته باشد. زرافشان در تماس تلفنی من را دل‌داری و قوت قلب می‌داد و از اقداماتی که از لحاظ شخصی و خانوادگی و روابط دوستانه برای او صورت گرفته و نیز اقدامات عمومی برای رهایی‌اش به خوبی آگاه بود و قدردانی می‌کرد و می‌گفت: «راهی را آگاهانه شروع کرده‌ام و تا انتهای آن خواهم رفت».

زرافشان همچنین گفت که امکان ملاقات با مراکز محل زندان به دست آمده است. وضعیت روحی ناصر زرافشان بسیار عالی است و برخی از شایعات مربوط به فشارهای ویژه جسمی و روحی به او درست نیست و حتی برخی خبرها بر روی سایت‌های اینترنتی منتشر شده که صحت ندارد. ادامه شایعات موضوع را از کنترل خارج می‌کند و شاید فقط برای جنجال‌های مطبوعاتی برخی از رسانه‌های خارج از کشور خوب باشد نه برای مبارزه اصولی برای آزادی‌های سیاسی و دفاع از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای و افشای واقعیت‌های این قتل‌ها. زرافشان به طور کلی خواهان پیگیری‌های اساسی، قانونی، درست و صادقانه است و مایل است این پیگیری‌ها و مقاومت‌های مدنی برای او ادامه پیدا کنند.

باید توجه داشت که وکلای محدودی وجود دارند که به پرونده‌های سیاسی رسیدگی می‌کنند و به عوض اینکه این گروه که وجدانهای بیدار اجتماع هستند و از کسانی که می‌کنند که قدرت را به چالش خوانده‌اند بیشترین حمایت و پشتیبانی را داشته باشند، برعکس امنیت‌شان به خطر افتاده و به تدریج شمار دیگری از متهمان سیاسی مانند ملی مذهبی‌ها یا اعضای کانون نویسندگان متوجه می‌شوند وکلای نمی‌خواهند یا نگران هستند که دفاع از آنها را به عهده بگیرند. اگر چنین وضعی ادامه پیدا کند ممکن است همه متهمان سیاسی قضائیه واگذار کنند و وکیلی برای دفاع از خود نگیرند.

با توجه به اینکه خبرهایی در باره وضعیت بیماری جسمی دکتر زرافشان منتشر شده بود، در حال حاضر در چه شرایط جسمی به سر می‌برید؟

صدای زرافشان محکمتر و پرتین‌تر از مواقع عادی بود. هیچ نشانی از خستگی و بیماری جسمی در صدای زرافشان احساس نکردم. وجود بیماری سرطان ریه را در او کاملاً تکذیب می‌کنم. زرافشان یک عمل جراحی موفق در سالهای گذشته داشته که به هر حال برای تحمل محکومیت‌هایی مانند شلاق خوردن و زندان لازم بود که بنا به درخواست وکیل او مورد معاینات پزشکی قرار گیرد. این معاینات عمل جراحی گذشته که هیچ تاثیری در توانایی جسمی و وضعیت روحی او ندارد. اعلام شده که اظهارنظر در باره وضعیت سلامتی زرافشان خارج از صلاحیت پزشکی قانونی است. قرار شد معاینات در بیمارستان هزارتخت‌خوابی سابق (بیمارستان خمینی) انجام شود، اما چون مجازات شلاق فعلاً منتفی شده این آزمایشات هم صورت نگرفته است. زرافشان هم اکنون در بند موسوم به آموزشگاه اوین زندانی است که به قرار اطلاع شماری از زندانیان سیاسی از دفتر تحکیم وحدت، دانشجویان و یا گروه‌های دیگر با وی هم‌بند هستند.

در حال حاضر نگرانی به خاطر مسایل جسمی و روحی زرافشان وجود ندارد و باید این حقیقت به اطلاع مردم رسانده شود. اما مهم این است که نفس به زندان افتادن و گرفتن آزادی فسرده که بیشترین جانفشانی را در جامعه‌اش کرده، گران‌کننده است. به صراحت تکرار می‌کنم که در حال حاضر فشارهای جسمی و روحی در مورد ناصر زرافشان وجود ندارد. آنچه که وجود دارد شکست افکار عمومی و روحیه بسیار کدر اهل قلم و

بنا بر این گزارش کارگران و حقوق‌بگیران بوسیه کارفرمایان و رعایت این حقوق به وسیله آن‌ها برای یک توسعه قابل تحمل و مطابق با ظرفیت طبیعت نقش و اهمیت تعیین‌کننده دارد در این کنفرانس کارفرمایان پذیرفتند که حقوق اتحاد مربوط به بی‌اعتبار شدن را قبول کند و در مقابل یک جریان بایستد، چنین اتهاماتی را وارد می‌کند. این زیرسیستم به عنوان بخشی از یک سیستم کامل عمل نمی‌کند که خرد کامل در آن شکل بگیرد. این زیرسیستم خرد خودش را می‌کند چون معتقد است هر نتیجه‌ای که داشته باشد فعلاً می‌ارزد با هر هزینه‌ای جلوی جریانی که مخالف نظر اوست گرفته شود. همه این شرایط نشان می‌دهد که نگرانی‌ها در باره پرونده قتل‌های زنجیره‌ای بسیار زیاد است در حالیکه زرافشان در باره پرونده‌ها سخنی نگفته که پیش از این دیگران نگفته باشند. ناصر زرافشان گنجینه اطلاعات در باره پرونده قتل‌های زنجیره‌ای است که تاکنون حرفی در باره آنها نزده است. کسان دیگری چون اکبر

ادامه در صفحه ۱۱

اخبار کارگری

اعتراض کارگران

قره‌قره زیبا

گروهی از کارگران کارخانه قره‌قره زیبا در اعتراض به مصوبه حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، روابط عمومی و امور فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، در پی این تجمع با ارسال ناپیوسته ایسنا اعلام کرده است: با توجه به بحران صنایع نساجی، دولت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور، لایحه‌ای را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرده که در تاریخ ۲۶ تیر ماه سال ۱۳۸۰ با اصلاحاتی به تصویب رسید.

بر اساس بند «ج» این قانون، سازمان تامین اجتماعی موظف شده است آن دسته از کارگران واحدهای مشمول این قانون که در دوران بازسازی و نوسازی موقتاً بیکار می‌شوند را تحت پوشش کامل بیمه بیکاری قرار دهد. همچنین نیروی انسانی مازاد واحدهای مشمول این قانون با پیشنهاد مدیر واحد و تأیید کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مشمول تعدیل شده و در قبال پرداخت حقوق مقرر در قانون کار بازنحیه می‌شوند.

۹۵۱۰ شغل برای ۱۸۰ هزار جوینده کار؟

به گفته مدیر کل اداره کار آذربایجان غربی در حالی که ۱۸۰ هزار جوینده کار در ادارات کار استان آذربایجان غربی ثبت نام کرده‌اند، پیش‌بینی شده است که ۹۵۱۰ هزار از این تعداد می‌توانند در غالب طرح ضربتی اشتغال به کار مشغول شوند.

نیروگاه‌های برق به بخش خصوصی واگذار می‌شود!

خصوصی‌سازی لجام‌گسیخته و بدون برنامه دولت هر روز دامنه و ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی دولت تاکنون بسیاری از منابع کلیدی و استراتژیک ملی بدون در نظر داشتن عواقب منفی آن به بها و شرایط نازل به بخش خصوصی که در واقع امر اعوان و انصار حکومتیان هستند واگذار می‌شود. دامنه خصوصی‌سازی این روزها حتی به حوزه انرژی و برق نیز گسترش یافته است. به گفته معاون وزیر نیرو و آگهی نیروگاه‌ها برق به بخش خصوصی در دستور کار وزارت نیرو قرار دارد.

۳/۸ میلیون کارگر

بنا به آمارهایی که اخیراً بوسیه علی‌رضا مسجوب یکی از نمایندگان مجلس و از کارگزاران اصلی رژیم در امور کارگری ارائه شده تعداد کل کارگزارانی که در بخش صنعت در حال حاضر مشغول به کار هستند ۳/۸ میلیون نفر است که به همراه خانواده‌های خود جمعی بالغ بر ۱۷ میلیون نفر از جمعیت کشور هستند. بنا به همین آمار کارگران صنعتی و خانواده‌های آنان ۲۶ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد.

بحران بیکاری برای زنان

بنا به گفته خانم علاقر مدیر کل اشتغال زنان، بحران برای زنان فارغ‌التحصیل در راه است. به گفته وی تعداد زنانی که امسال وارد دانشگاه‌ها و موسسات عالی شده‌اند به رقم معادل ۶۹ درصد رسیده است. به عقیده وی در آینده نه چندان دور جامعه با بحران زنان بیکار فارغ‌التحصیل مواجه خواهد شد. به گفته وی نرخ مشارکت زنان از ۸/۲ درصد در سال ۶۵ به ۱۱/۵ درصد در سال ۸۱ رسیده است.

اقتصاد ایران زیرزمینی!

بررسی‌های انجام شده از سوی منابع غیررسمی نشان می‌دهد که در زمان حاضر بیش از ۵۰ درصد از اقتصاد کشور از طریق فعالیت‌های زیرزمینی اداره می‌شود. وجود این آمار گواه بر آن است که «۵ درصد از صاحبان سرمایه و کارفرمایان هیچ‌گونه مالیاتی از بساطت درآمدهای خود نمی‌پردازند.

بنا بر این گزارش کارگران تجمع‌کننده با اعتراض به بندهای ذکر شده این قانون درخواست کردند که بازخرید آن‌ها بر اساس توافق کارگر و کارفرما و خارج از قانون کار صورت گیرد.

مخالفت اتحادیه‌های کارگری انگلیس

یکی از موضوعات مهمی که در دستور کار کنگره وکنگره اتحادیه‌های کارگری انگلیسی که در هفته گذشته برگزار شد قرار است موضوع شرکت انگلیسی در حمله به عراق بود. در کنگره TUC» به دولت انگلیسی هشدار داده شد که چنانچه این دولت به همراهی خود با دولت آمریکا در حمله به عراق پایان ندهد، دولت حزب کارگر از حمایت این اتحادیه محروم خواهد شد. این اتحادیه به وسیله Bobcrowe رهبر کارکنان راه‌آهن انگلیس که در کنگره «TUC» سخن می‌گفت صورت گرفت.

نقش مثبت اتحادیه‌ها در حفظ محیط زیست

در جسرین کسنفرانس محیط زیست ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی اتحادیه‌های کارگری توانستند به کنفرانس بقبولانند که

حل نظامی مشکل عراق یا «راه سوم»!

محمود صالحی



این است که صدام حسین به کویت حمله کرد. فاکت این است که حقوق بشر در این کشور لگدمال می‌شود.

فاکت این است که آمریکا بدنبال منافع ژئوپلیتیک خود در منطقه است. فاکت این است که سازمان ملل ۱۸۹ کشور عضو دارد و آمریکا در ۱۶۳ کشور آن حضور و یا پایگاه نظامی دارد. فاکت این است که ۵ پیش‌شرط آمریکا طوری تهیه شده که صدام نتواند از عهده تامین آن برآید. فاکت این است که آمریکا تا آماده‌شدن شرایط حمله نظامی به تحرکات دیپلماتیک خود خواهد افزود. فاکت این است که اپوزیسیون خارج از کشور عراق طی ماههای گذشته توسط سازمان سیا سازمان‌دهی شده و حتی در صورت سقوط صدام از مقبولیت داخلی برخوردار نیست. فاکت این است که هنوز عواقب حمله آمریکا به عراق هم در منطقه و واکنش مردم عرب نسبت به آن و هم به لحاظ داخلی یعنی خطر فروپاشی عراق مشخص نیست.

دهها سال حکومت صدام حسین امکان هرگونه تحول دمکراتیک از پائین را نیز سلب کرده است. اما راهی که در صورت افزایش فشار آمریکا محتمل تر می‌نماید و نیز بخشی از فرهنگ سیاسی عراق هم هست و آن «اقدام افسران جوان» است. شاید بهتر آن باشد که دود سیاهی از کاخ ریاست جمهوری برخیزد و رسانه‌ها خبر از درگیری و سپس کشته‌شدن صدام حسین توسط افسران جوان دهند تا اینکه «وحشت بی‌پایان» حکومت صدام با پسماندها و شهرها «پایانی آمریکایی» و «وحشتناک» یابد.

با «منا» خبرگزاری رسمی مصر گفت: این شانس است برای دولت عراق که قطعنامه‌های سازمان ملل را به اجراء گذارد و از بحران‌ساز شدن اوضاع جلوگیری کند. بنابر گزارش روزنامه مصری الاخبار طی روزهای آتی حسنی مبارک، بنابر اسد رئیس‌جمهور سوریه، عبدالله ولیعهد عربستان و عبدالله دوم پادشاه اردن در شرم‌الشیخ به گفتگو خواهند نشست.

آمر موسی دبیرکل لیگ عربی سخنرانی بوش و در جریان قراردادن سازمان ملل را مثبت ارزیابی کرد.

روزنامه البعث ارگان دولتی حزب بعث سوریه با دید انتقادی به سخنرانی بوش نوشت: تمرکز بوش بر عراق به منظور به فراموشی سپردن ریشه همه بحران‌های منطقه یعنی اختلاف اعراب و اسرائیل است.

روزنامه قطری الوطن در سرمقاله خود نوشت: با سخنرانی بوش امکان بروز جنگ در منطقه افزایش یافت. جرج بوش سندی علیه دولت عراق ارائه نکرد، اما به نظر می‌رسد پس از سخنرانی او مقاومت بین‌المللی بر علیه جنگ کاهش یافته است.

آیا راه سوم وجود دارد؟
فاکت این است که صدام حسین یک دیکتاتور جنایتکار است. فاکت این است که صدام حسین به ایران حمله کرد و با لجاجت رهبران ایران در ادامه جنگ، حاصل آن یک میلیون نفر کشته و صدها هزار نفر مجروح و میلیاردها دلار خسارت مالی شد. فاکت این است که صدام حسین علیه ایران و کردهای عراق از بمب‌های شیمیایی استفاده کرد. فاکت

حق وتوی خود در قطعنامه آتی شورای امنیت در مورد عراق استفاده نخواهد کرد.

چین پس از سخنرانی بوش وزارت امور خارجه چین اعلام کرد «فعلاتانه در جستجوی راه‌حل سیاسی» شرکت خواهد کرد. موضع رسمی دولت چین مخالفت با اقدام نظامی یکجانبه آمریکا است. «لی پنگ» رئیس مجلس چین گفت: همه فعالیت‌های ضد تروریسم باید زیر چتر سازمان ملل صورت پذیرد.

اتحادیه اروپا

نخست‌وزیر دانمارک «راسموسن» که اکنون رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا است به رئیس‌جمهور آمریکا اطمینان داد که اتحاد اروپا با «لحن سنجیده‌تری» با دولت عراق برخورد خواهد کرد. او گفت تلاش خواهد کرد دولت اروپایی را حول یک خط مشی مشترک در قبال عراق گرد هم آورد. دو هفته قبل وزاری خارجه اتحادیه اروپا مخالفت خود را با اقدام یکجانبه آمریکا اعلام داشتند و از دولت عراق خواستند به بازرسان سازمان ملل اجازه کار دهند.

در میان اعضای اتحادیه اروپا دولت سوئیال دمکرات آلمان مخالف هرگونه اقدام نظامی هم از سوی آمریکا و هم از سوی سازمان ملل است. دولت آلمان معتقد است عواقب و خطرات اقدام نظامی در منطقه هنوز نامشخص است.

برخلاف جو عمومی که علیه جنگ است، دولت انگلیس در کنار آمریکا قرار دارد. برای روز ۲۴ سپتامبر نمایندگان مجلس از تعطیلات تابستانی فراخوانده شده‌اند تا در مورد بحران به بحث و بررسی بنشینند. پس از مذاکره تونی بلر و جرج بوش در کمپ دیوید، دولت بلر مراجعه بوش به آرا سازمان ملل را حاصل سیاست خود می‌داند.

فرانسه نیز مخالف اقدام یک‌جانبه از سوی آمریکا است اما برخلاف آلمان مخالفت خود را رسماً اعلام نکرد. ژاک شیراک در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز که قبل از سخنرانی جرج بوش انجام شده بود گفت صدام باید طی دو سه هفته آینده به بازرسان سازمان ملل اجازه از سرگیری کار خود را بدهد. طی روزهای آتی وزرای خارجه فرانسه و عراق در نیویورک به رای‌زنی خواهند پرداخت.

دولتهای عربی
حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر در مصاحبه‌ای

باید به همکاری‌های بین‌المللی پایبند باشند و استراتژی در مورد عراق باید در شورای امنیت مورد بررسی قرار گیرند. عنان از دول نزدیک به عراق خواست تلاش نمایند تا از سرگیری کار بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل به نتیجه برسند. وی گفت برداشت تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل وابسته به از سرگیری کار بازرسان تسلیحاتی خواهد بود.

فانو

لرد رابرتسون دبیر کل ناتو در سخنرانی که در انستیتو روابط بین‌المللی در فرانسه داشت گفت: حمله آمریکا به عراق موضوع مورد بحث در ناتو نیست. او مبارزه جهانی علیه تروریسم و دول حامی آن را وظیفه سازمان ملل و نه سازمان‌های منطقه‌ای مانند ناتو خواند. رابرتسون گفت «اتحاد ناتو» فقط زمانی می‌تواند وارد عمل شود که همه ۱۹ عضو آن توافق داشته باشند. او همچنین گفت که تصمیم‌گیری در این مورد تا اجلاس پراگ در ماه نوامبر محتمل نیست.

روسیه

عکس‌العمل روسیه در مقابل سخنرانی جرج بوش



در سازمان ملل دوستانه‌تر می‌رفت. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: ما همصدا با آقای بوش معتقد به مبارزه مشترک علیه تروریسم هستیم. اما دولت آمریکا باید از اقدام یک‌جانبه علیه عراق پرهیز نماید. سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه گفت: ما معتقدیم که تاکنون از همه امکانات سیاسی و دیپلماتیک در بحران عراق استفاده نشده است. ناظران سیاسی معتقدند روسیه از

همه قرائن و شواهد حاکی از آن است که دولت آمریکا تصمیم نهایی خود را برای حمله به دولت عراق گرفته است.

جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی روز ۱۲ سپتامبر خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سیاست‌های خود در برابر حکومت عراق را تشریح کرد و آن را یک «خطر بزرگ و فزاینده» خواند. او گفت که آمریکا می‌خواهد از طریق شورای امنیت سازمان ملل در مورد عراق عمل کند و هشدار داد که در صورت عدم پیروی دولت عراق از قطعنامه‌های سازمان ملل اقدام نظامی علیه این کشور گریزناپذیر است.

سخنرانی بوش در مورد عراق حاوی پنج محور بود: نابودی بدون قید و شرط همه سلاح‌های کشتار جمعی، عدم پشتیبانی از تروریسم، رعایت حقوق اقلیت‌های قومی، پرداخت خسارت قربانیان جنگ کویت و رعایت تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل.

جرج بوش در سخنرانی روز جمعه‌اش گفت که نه در ماه‌ها و سال‌های آینده، بلکه طی روزها و هفته‌های جاری باید این خواسته‌ها

عملی شوند. بر اساس تخمین دیپلمات‌های سازمان ملل دولت عراق سه هفته مهلت خواهد یافت. اما پس از آن چه اتفاقی رخ خواهد داد نظرات متفاوتی وجود دارد:

سازمان ملل
کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل در این مورد نظر روشنی دارد. او در ۵۷مین مجمع عمومی سازمان ملل به آمریکا در مورد اقدام یک‌جانبه در مورد عراق هشدار داد و گفت: حتی دول قدرتمند

یک سال از فاجعه ۱۱ سپتامبر گذشت

داراب شکیب

یک سال پس از ۱۱ سپتامبر، این فاجعه همچنان مُهرش را بر افکار و روحيات جهانیان حک کرده است. تصاویر تلویزیونی هواپیماهایی که به دو برج اصابت می‌کنند، لحظاتی در دل دو برج محو می‌شوند و دمی بعد آتشی بیا می‌سازند که نه تنها دو برج را بر خاک می‌نشانند تا بلکه از نفرتی از زمین تا آسمان در دلها خیر دهند. صحنه‌ها را از زوایای مختلف می‌بینیم ولی به این صحنه نمی‌توانیم عادت کنیم. دروغ می‌گویند که انسانها به همه چیز عادت می‌کنند. انسان‌کشی عادت‌پذیر نیست. این شرط انسان بودن را از خودمان سلب نکنیم.

پس از ۱۱ سپتامبر در توصیف این روز بسیاری از روزی سخن می‌گویند که جهان را تغییر داد. روزی که جهان را تغییر داد، برای ما طنین آشنایی دارد مگر سالها پیش صحبت از روزهایی که جهان را تغییر دادند، نبود. خواننده بودیم از ۱۰ روزی که جهان را تغییر داد از آن پیشتر نیز برای ما هر سخنی از تغییر، جهان و تغییر جهان می‌شد برای ما حاملان فرهنگ سیاسی مشخصی این واژه‌ها نشانی از امید و باری مثبت به دوش می‌کشیدند، انگار نسیمی بر دل بشر می‌وزید. شاید به همین دلیل ما در نگاه نخستین نسبت به اینگونه توصیف ۱۱ سپتامبر بدبینانه می‌نگریم. آن روزها بر تغییر عادلانه جهان دلالت داشتند. این روز ویرانگر و عاجز‌کننده است. از تغییر خبری نیست. روز تخریب است و سر درگمی. در عالم سیاست به مفهوم رایج، اما تخریب نیز عاملی برای معرفی و شناساندن شرایط دیگر نیز هست. فاجعه ۱۱ سپتامبر در چنین چارچوبی برجسته‌ترین نمود سیاست برای ما شده است چه بخواهیم؟ چه نخواهیم؟

در توضیح حادثه ۱۱ سپتامبر تمام معرفت سیاسی به میدان آمد. این پدیده سیاسی جای فراخی برای انواع و اقسام تئوریهای معقول و نامعقول گشود. سیاست با منافع سروکار دارد و به تعبیری سر و سر. هر کس با آموزه سیاسی‌اش به مصاف حادثه رفت. باز تئوری توطئه به میدان آمد و نشان داد چه اعتماد عمیقی بین مردم و سیاستمداران حاکم است. در سیاست خارج از نیات این فرد یا آن فرد چیزی نرفته که به این نوع نگرش میدان می‌دهد. ما سالهاست با این نگرش دمخوریم و باید گفت پس از ۱۱ سپتامبر متوجه شدیم که فقط با یک مشکل ایرانی مواجه نیستیم. جدایی کامل از این تربیت ذهنی بسادگی شدنی نیست. اگر واقع‌بینانه به پدیده ۱۱ سپتامبر از دریچه ذهنی یک ایرانی نگاه می‌کنیم، تجربیاتمان را غربال کنیم در نیروی تخریب‌محریان ۱۱ سپتامبر عوامل آشنایی به چشم می‌خورد. نیروی تخریب‌کننده بنیادگرایی اسلامی، جمهوری اسلامی، نماد ایرانی تخریب را بیش از دو دهه است که می‌شناسیم. برای آن جهان، ابایی از تخریب این جهان نباید داشت. باید دغدغه‌ای به دل راه نداد، آن جهان از آن آنهاست. آنها پاسخی نداشتند و با روش‌اشان شروع نکرده در حذف خودشان سهیم هستند. بهبودی کره خاکي دغدغه ماست. مانیم و جهانمان.

چند سال پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اتحاد شوروی سقوط کرد. سرمایه جنگ سرد را برد و ایالات متحده آمریکا سرست از پیروزی رهبر نظم نوینی شد. در دنیای مقابله با «قلمرو شیطان» بنیادگرایان مسلمان حکومتیایی مانند عربستان سعودی و پاکستان دوستان قابل اتکالی جهان آزاد تلقی می‌شدند. جهان آزاد سلاح مذهب را در مصاف با کمونیسم به میدان آورد. دشمن بعدی جهان آزاد متحد دیروزی او بود. تا اطلاع ثانوی دشمن دشمن جهان آزاد دوست‌اش باقی ماند. نظم نوین جهانی آغاز این اطلاع بود. دهسال پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طالبان در افغانستان با پول عربستان و تدارکات سیا و پاکستان، خلافت اسلامی پیاورد. جنگ تمدن‌ها در افغانستان جایش را به گفتگوی تمدن‌ها بر سر منافع داد. گفتگوی تمدن‌ها از افغانستان آغاز شد. چگونه این گفتگو به بن‌بست رسید، خبری در دست نیست. یک موضوع قطعی است، یک طرف دعوا نیاتی دیگر در سر می‌پروراند، بنیادگرایی که در محل، کمونیست‌های خدانشناس را با خشونت تمام تاراندند، سهم‌اشان را می‌خواستند؛ بعد از شرق کافر نوبت غرب کافر است. بنیادگرایان وهابی پول پارو می‌کنند. تدارک می‌بینند. غیر ممکن را ممکن می‌کنند. ۱۱ سپتامبر.

رئیس‌جمهور آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر به جهانیان می‌گوید هر که با ما نیست بر ماست. حرف تازه‌ای نیست. یا با ما و یا با تروریست‌ها. القاعده به جهانیان معرفی می‌شود و بن لادن. در نگاه اول هالیوود تداعی می‌شود، کسی تمایلی ندارد با شر هم کیسه شود. اما همبستگی با فرهنگ پیشرفته غرب کجا؟ و هم نظری با جرج بوش پسر کجا؟ در سیاست باید انتخاب کرد. آموزش حاکم سالهای اخیر پیرامون سیاست بر این نکته تا می‌فشارد. واقع‌گرا باشیم. مشکل واقعی اما چیز دیگری است. ۱۱ سپتامبر فضای دیگری می‌آفریند؛ موضوع انتخاب این سیاست یا آن سیاست در وهله اول نیست. ۱۱ سپتامبر مهرش را بر سیاست اینگونه حک می‌کند: جنگ آخرین راه حل نیست. زودتر هم می‌شود آغاز کرد. یوگسلاوی، افغانستان، عراق...